

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله تذکرات استاد طیب ناظر بر ناآرامی‌های اخیر کشور (۴)

آمیختگی حق و باطل، ابتلاء و امتحانی بزرگ

این روزها در حال طیّ موقعیت‌های خاصی هستیم. عصر غیبت عصر امتحانات و ابتلائات بزرگ است و امتحان و ابتلاء وقتی مصداق دارد که بین حق و باطل یک نوع آمیختگی پیش بیاید. همان‌طور که در نهج‌البلاغه از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده که فرمودند: اهل باطل برای اینکه مشتری پیدا کنند، بخشی از حق و بخشی از باطل را می‌گیرند و ترکیب می‌کنند، و آن ممزوج را عرضه می‌کنند. جنبه‌های حقی که در آن ترکیب هست، جذابیّت دارد و وقتی افراد جذب شدند، به جنبه‌های باطل آن مبتلا می‌شوند. حضرت فرمودند: اگر حق و باطل کاملاً از هم تفکیک می‌شد، یعنی حق محض و باطل محض بود، احدی دنبال باطل نمی‌رفت! در جریانات امروز کشور اگر افرادی فریب می‌خورند و به دنبال باطل می‌روند، ناشی از این است که طرّاح این صحنه مقداری از حق را با مقداری از باطل ترکیب کرده و چنین ترکیبی را عرضه کرده است.

جنبه‌های حق سخن جنبه باطل را رساتر از خودشان بیان کنیم

در دوران غیبت که امتحان‌ها و ابتلائات الهی شدت می‌یابد، یک مؤمن در مواجهه با چنین جریاناتی چه باید بکند؟ مواجهه مؤمن نباید از سر عصبیّت و هیجان باشد؛ نباید تیغ را بردارد و حق و باطل را با هم بزند. اگر بخواهیم اهل باطل مشتری‌هایشان کم شود، بساطشان کساد و مکر و خدعه‌شان خنثی شود، راه این است که جنبه‌های حقی را که در سخن آنهاست، خودمان بیان کنیم و بگوییم درست است! ما هم در این قسمت با شما هم‌عقیده‌ایم! این بخش از سخنتان حق است و بر سر آن اختلاف‌نظر نداریم. اگر این کار را بکنیم، جذابیّت جنبه باطل از بین می‌رود؛ چون همان چیزی که

برای جبهه باطل جذابیت ایجاد کرده بود، طرف مقابل دارد رساتر، شیواتر، مستدل تر و منطقی تر بیان می‌کند؛ لذا آن جنبه‌های حق از انحصار اهل باطل درمی‌آید و همه می‌بینند که هر دو طرف این چیزها را قبول دارند و اظهار می‌کنند.

البته اگر جبهه حق عاقل بود، قبل از اینکه باطل دنبال چنین طرح و نقشه‌ای برود، خودش ابتدائاً آن جنبه‌های حقی را که می‌توانست دستاویزی برای دشمن شود، بیان می‌کرد. اگر زیرک بود اصلاً فرصت نمی‌داد که دشمن از آنها سوءاستفاده کند و تحت‌تأثیر آن جنبه‌های حق، افراد را جذب کند و به وادی باطل بکشاند. اما اگر ما خواب بودیم و دشمن چنین کاری کرد، باز هم راه مقابله‌اش همین است که انسان با جنبه‌های حق سخن او هم‌صدا شود و حتی رساتر از او بیان کند. طبیعتاً سخن او جذابیتش را از دست می‌دهد و بطلان باقیمانده حرفش هم کاملاً آشکار می‌شود و به راحتی می‌توان با آن مقابله کرد.

به هر حال امواج فتنه‌ها در دوران غیبت برمی‌خیزند و به نظر می‌رسد که راه مواجهه درست، همین باشد. مراقب باشیم در مواجهه با این هیجانات، خشم‌ها، حرکت‌های تند و بسیار خشن و ضداخلاقی، راه معقول و منطقی را طی کنیم. یکسره طرف مقابل را نکوبیم! چون وقتی یکسره او را بکوبیم، احساس می‌کند داریم جنبه‌های حقی را که در سخن او هست نیز انکار می‌کنیم و لذا در اشتباه خودش مصمم‌تر می‌شود. پس راه صحیح این است که انسان حرف‌های درست او را تأیید کند و حتی در گفتن آنها پیشتاز شود و صدای رساتری داشته باشد.

نکته دیگر اینکه چه عیبی دارد که اگر من اشتباهی کردم، اگر خلافی در کار من بوده، صادقانه اعتراف و عذرخواهی کنم؟ چه عیبی دارد که مسؤولین جمهوری اسلامی، این ادب عذرخواهی را یاد بگیرند؟ متأسفانه ما این ادب را بلد نیستیم! در طول این چهل و چند سال این همه مسؤول داشته‌ایم که قطعاً معصوم نبوده‌اند و برخی از آنها در تصمیمات و اقداماتشان اشتباه داشته‌اند؛ این همه وزیر، وکیل،

قاضی، شورای عالی قضایی، رئیس‌جمهور، ... داشته‌ایم؛ اما چند بار به‌خاطر داریم که یک مسؤول پشت تریبون آمده باشد و در برابر خبرنگاران، رسانه‌ها و صداوسیما به‌صراحت به مردم گفته باشد که من این مورد را اشتباه کردم؟! در این کار دقت کافی نکردم و خطا کردم و از شما عذر می‌خواهم! و اگر اشتباه خسارت‌بار بزرگی بوده، بگوئید من مسؤولیت خطایم را می‌پذیرم و کنار می‌روم؛ چون در عمل ناموفق بودم! من کنار می‌روم تا میدان را به کسی بدهید که به اندازه‌ی من اشتباه نکند!

اگر این ادب عذرخواهی را یاد بگیریم، خیلی از مشکلات حل می‌شود؛ همان‌طور که در روابط فردی هم اگر مؤدب به این ادب اعتراف به خطا و عذرخواهی باشیم، بسیاری از دعواها، کشمکش‌ها، خشونت‌ها و اختلافات خانوادگی حل می‌شود. آیا این ادبی که در جنبه‌ی اخلاق فردی وجود دارد، نباید در حکام، زمامداران و مدیران عالی کشور هم باشد؟ اگر مؤدب به این ادب باشیم، خیلی از خشم‌ها فرومی‌نشیند؛ چون طرف مقابل نظام، دشمنی است که آمده سربازگیری کند؛ اگر ما درست عمل کنیم بساط او کساد می‌شود. اسرائیل و آمریکا و انگلیس و عربستان سعودی که عداوتشان مسلم و محرز است؛ اما چرا ما به آنها فرصت دهیم که یارگیری کنند و برای خودشان سپاه درست کنند و سیاهی‌لشکر جمع کنند؟!

در همین شلوغی‌ها، چند نفر از مسؤولین کشور به صداوسیما آمدند و به مردم گفتند که ما قبول داریم این اشتباهات را کرده‌ایم و این عیب‌ها در کارهای ما بوده است و از امروز آن را اصلاح می‌کنیم؟! چرا این قدر مغروریم؟ چرا این قدر در اشتباهاتمان دُغمیم؟ اگر به اشتباهاتمان اعتراف کرده بودیم، این جوان‌ها فریب دشمن را نمی‌خوردند و به کارهایی کشیده نمی‌شدند که بستر را برای تجزیه کشور، ویرانی مملکت، کشتار و قتل و غارت، و برای سوریه و لیبی و عراق شدن فراهم کند!

البته شکل تعامل مردم با مدیران و مسؤولان کشور هم بسیار مهم است. اگر تعامل ما با مسؤولان، در موضع نقد ناصحانه باشد، باعث اصلاح آنها می‌شود؛ و وقتی اصلاح شدند، به سود خودشان هم هست؛

هم مدیرتشان تثبیت می‌شود و هم با نقد مردم رشد می‌کنند. منتها این نقد باید ناصحانه باشد. یک‌وقت من از سر دشمنی و برای خُرد کردن طرف مقابلم از او ایراد می‌گیرم، یک‌وقت مثل آینه، روبه‌روی طرف می‌ایستم و او می‌تواند آشفتگی موهای سر و لباسش را متوجه شود و آنها را اصلاح کند. فرمودند: **الْمُؤْمِنُ مِرْآةُ الْمُؤْمِنِ**: مؤمن آینه مؤمن است. آینه عیب را نمی‌پوشاند؛ اما از سر کینه‌توزی هم عیوب را نشان نمی‌دهد. مؤمن خیرخواهانه و با محبت انتقادات را می‌گوید. این‌طور نقد کردن باید در نظام جمهوری اسلامی رایج شود.

هرکس که زبان به انتقاد گشود، با او برخورد نکنیم. بارها عرض کرده‌ام که امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک اشتر فرمودند: اگر کسی عصبانی بود و بی‌ادب و تند هم با تو صحبت کرد، تو آرام باش! تو تحمل کن و پذیرا باش! او را طرد نکن و دهانش را نبند! البته در مقام نقد و حتی اعتراض، مردم باید از زبان ادب و محبت و خیرخواهی استفاده کنند.

خیرخواه همه خلق باشیم

آداب دین ما آداب دوست داشتن دشمن و خیرخواهی برای دشمن است. خیر دوست را خواستن که طبیعی است! خیر دشمن را خواستن مهم است! یعنی از خدا بخواهیم که خدایا کمکم کن طوری با این دشمن رفتار کنم که به اشتباهات خودش واقف شود و به راه صلاح قدم گذارد. به‌راستی دل‌مان بسوزد که چرا او دارد با ندانم‌کاری در وهلهٔ اول به خودش آسیب می‌زند. همان‌طور که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای دشمنشان غصه می‌خوردند. آن‌قدر غصه خوردند که خدا فرمود: تو داری از غصهٔ مشرکینی که دشمنانت هستند، خودت را به کشتن می‌دهی!

همه را دوست بداریم. مثل یک پدر یا مادر مهربان که همهٔ بچه‌هایش را دوست دارد. اگرچه بعضی از بچه‌ها ناقلا هستند؛ اما بچه‌های خودش هستند. پدر یا مادر اگر هم به بچهٔ ناقلاش احم می‌کند، از

سر محبت است؛ می‌خواهد این بچه به خودش آسیب نرساند؛ خودش را نابود نکند. این‌گونه همه را دوست بداریم و خیر همه را بخواهیم.

حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: **أَنْصُرُ أَحَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا**: برادرت را یاری کن؛ چه ظالم باشد، چه مظلوم! اصحاب با شگفتی پرسیدند: یاری مظلوم را می‌فهمیم؛ اما چطور ظالم را یاری کنیم؟! فرمودند: با بازداشتن او از ظلم، او را یاری کن. انسان می‌تواند با زبان و رفتار خیرخواهانه، کسی را که فریب خورده، از راه ظلم برگرداند. خیرخواه همه خلق باشیم.

البته لازم است در هر موقعیتی رفتار مناسب آن را انتخاب کنیم. همان‌طور که امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مدیرانشان فرمودند: شدت عمل را با نرمی و ملاحظت ممزوج کن و در مدیریت خود از هر دو استفاده کن! و فرمودند: قلب خودت را کانون محبت رعیت قرار بده و مثل یک پدر مهربان با همه رفتار کن!

امیدوارم به این نکات بیندیشیم و در عملکرد خودمان بازنگری کنیم. اگرچه مسؤولین در این جلسه نیستند که سخن ما را بشنوند، اما ان‌شاءالله این حرف در باطن عالم حرکت می‌کند و اثر تکوینی خودش را می‌گذارد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ